

موضوع: تحلیل امام مبین با استفاده از آیات قرآن

خاتون همت پور*

چکیده

در قرآن - معجزه جاوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم - واژه امام مبین آمده است که بین مفسران شیعه و سنی نظرات مختلفی وجود دارد. این مقاله با روش کتابخانه‌ای با استناد به منابع معتبر و فیش‌برداری و خلاصه نویسی از تفاسیر معتبر قرآنی با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع می‌پردازد. براساس تحلیل مطالب می‌توان گفت که از نظر مفسران تعبیر امام مبین در سوره یاسین به لوح محفوظ، علم خداوند، قرآن و از نظر مصداقی به امام علی علیه السلام و معصومین علیهم السلام اطلاق می‌شود که با توجه به تطبیق آیات و روایات قلب پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در درجه اول و قلب وسیع جانشین او در درجه بعد آیینیهایی است که لوح محفوظ را منعکس می‌کند، و قسمت عظیمی از آنچه در لوح محفوظ است از سوی خدا به آن الهام می‌گردد.

واژگان کلیدی: آیات، امام مبین، قرآن.

*سطح ۲، حوزه علمیه نرجسیه (سلام الله علیها) hemat.poor.khaton1403@gmail.com

ترکیب «امام مبین»، ترکیب بسیار مهمی است که در سوره یاسین آمده است. از آن جایی که مفسران شیعه و سنی در مصداق‌یابی برای امام مبین دچار چالش شده اند و نظرات متعددی در این باره وجود دارد. این مقاله با بررسی نظرات مختلف به تحلیل و تبیین نظرات در تفاسیر معتبر با بررسی نکات مشترک و جمع بندی نظرات براساس آیات و روایات می پردازد. واژه «مبین» نیز از معتل العین یابی به معنای جدا کردن است. به سخن واضح که مطلب را به تمام و کمال می‌رساند و دارای معنا و مفهوم است، بیان می‌گویند. در حقیقت روشنی کلام به سبب جداسازی آن است. پس وضوح و روشنی، لازمه جداسازی است

امام مبین کسی یا چیزی است که اصل جداساز و روشن‌گر است به طوری که همه به آن برمی‌گردد و روشن و جداساز است. از آنجا که همه هستی دارای اصلی است که از آنجا و به آنجا بازگشت می‌کند و نیز انسان عصاره هستی و امام، عصاره عصاره هستی است که خدا در قرآن به او سوگند خورده است، باید گفت لوح محفوظ و کتاب مبین در عالم انسانی همان امام معصوم علیه السلام است که نخستین آن رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم و آخر آن امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. از آنجایی که مقاله «بررسی تطبیقی دلالت مصداقی امام مبین در سوره یس بر امام علی علیه السلام از منظر فریقین» وجود دارد اما مقاله و پایان نامه ای با این موضوع پیدا نکردید که به طور جامع از سه زاویه تفاسیر شیعی، اهل سنت، روایات ارزش این مقاله را بیشتر نشان می‌دهد. در این مقاله به این سوال پاسخ داده می‌شود امام مبین در نظر مفسران قرآن به چه معنایی می‌باشد؟ و تفاوتی که در نظرات شیعه و سنی است به چه خاطر است؟

معنای لغوی «امام»

در ترکیب «امام مُبین»، واژه «امام» از ریشه «ا.م.م» به معنای اصل و مرجع، اشتقاق یافته و در همه کاربردهای گوناگون آن نامی برای کس یا چیزی است که به سویش توجه شده و به نحوی از آن پیروی می‌کنند^۱ واژه امام در معانی هم‌چون «رهبر و پیشوای گروهی از مردم»^۲ بکار رفته است. گروهی از پژوهشگران قرآنی به معانی مختلفی از جمله «رهبر، دفتر اعمال آدمیان، لوح محفوظ، کتاب تورات، راه اصلی و مرکزی» اشاره کرده اند.^۳

معنای لغوی «مبین»

واژه «مبین» از ریشه «بیان» به معنای «کشف و ظهور» است.^۴ دو واژه «مُبین» و «بیین» هم معناست^۵ صفت «مُبین (روشن)»، اسم فاعل از «ب ی ن» که این صفت، از ریشه «بین» مشتق شده است.^۶

تعریف اصطلاحی امام مبین در قرآن

تعبیر «امام مبین» دو بار در آیات قرآن کریم بکار رفته که اولین در سوره یاسین «و همه چیز را (از اعمال مکلفان و حوادث این جهان) در نسخه‌ای آشکار (لوح محفوظ) به طور فراگیر برشمرده‌ایم»^۷ و بار دوم در ارتباط با نزول عذاب بر دو شهر قوم لوط و قوم شعیب «پس ما از آنان انتقام گرفتیم، و البته آن دو (مسکن قوم لوط و قوم شعیب) بر سر راهی آشکار قرار دارد».^۸

۱- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۸۵، ۸.

۲- جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۵، ص ۱۸۶۵؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۱۳-۲۱۴؛ طریحی، مجمع‌البحرین، ج ۱، ص ۷۷، «ام».

۳- دامغانی، الوجوه و النظائر، ج ۱، ص ۱۱۸-۱۱۹.

۴- مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۶۶-۳۶۷.

۵- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۵۶۲.

۶- محمدی ری‌شهری، دانش نامه عقاید اسلامی، ج ۷ از صفحه ۵۷ تا صفحه ۵۹.

۷- یس: ۱۲ «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ»

۸- حجر: ۷۹ «فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ»

۱- امام مبین در تفاسیر شیعی

۱-۱- ترجمه تفسیر المیزان^۱

بنا بر تفسیر آیه ۱۲ سوره یاسین در ترجمه تفسیر المیزان می توان گفت: گویا بعضی توهّم کرده اند که «نوشتن اعمال و آثار، همان احصاء در امام مبین»^۲ است. و در حقیقت این اشتباه است، چون قرآن کریم از وجود کتابی خبر می دهد که تمامی موجودات و آثار آنها در آن نوشته شده، که این همان لوح محفوظ است، و از کتابی دیگر خبر می دهد که خاص امت هاست، و اعمال آنان در آن ضبط می شود، و از کتابی دیگر خبر می دهد که خاص فرد فرد بشر است، و اعمال آنان را احصاء می کند. هم چنان که در باره کتاب اولی فرموده: «هیچ تری و خشکی نیست، مگر آنکه در کتابی مبین است.»^۳ و در باره دومی فرموده: «هر امتی به سوی کتاب خودش دعوت می شود.»^۴

ظاهر آیه هم به نوعی حکم می کند به اینکه کتاب ها یکی نیست، و کتاب اعمال غیر از امام مبین است، چون بین آن دو فرق گذاشته، یکی را خاص اشخاص دانسته و دیگری را برای عموم موجودات خوانده است، و نیز تعبیر را در یکی به کتابت و در دیگری به احصاء آورده، منظور از «امام مبین» لوح محفوظ است، لوحی که از دگرگون شدن و تغییر پیدا کردن محفوظ است، و مشتمل است بر تمامی جزئیاتی که خدای سبحان قضایش را در خلق رانده، در نتیجه آمار همه چیز در آن هست، و این کتاب در کلام خدای تعالی با اسم های مختلفی نامیده شده «لوح محفوظ»، «ام الکتاب»، «کتاب مبین»، و امام مبین، که در هر یک از این اسمای چهارگانه عنایتی مخصوص هست.

و شاید عنایت در نامیدن آن به امام مبین، به خاطر این باشد که شامل قضا های حتمی خدا است، قضا هایی که خلق از آنها پیروی می کنند هستند و آنها مقتدای خلق. و نامه اعمال هم- به طوری که در تفسیر سوره جاثیه می آید- از آن کتاب نسخه برداری می شود، چون در آن سوره فرموده: «

۱- طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۷، صص ۹۶-۹۷

۲- فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲۶، ص ۴۹.

۳- انعام: ۵۹ «و لا رطب و لا یابس إلا فی کتاب مبین»

۴- جاثیه: ۲۸ «کل أمة تدعی إلى کتابها»

این است کتاب ما که علیه شما به حق سخن می‌گوید به درستی ما آنچه شما می‌کردید، نسخه برداری می‌کردیم.^۱

بعضی از مفسرین گفته‌اند: «مراد از امام مبین، نامه اعمال است»؛ اما این سخن بیهوده است. بعضی دیگر گفته‌اند: «علم خدا است»^۲ این هم مثل همان تفسیر قبل است بله اگر مرادشان از علم خدا علم فعلی او باشد باز وجهی دارد. و از حرف‌های عجیبی که در این موضع گفته شده، سخن بعضی از مفسرین است که گفته: «آنچه در لوح محفوظ نوشته می‌شود، عبارت است از آنچه بوده و آنچه خواهد بود، اما تا روز قیامت، نه تا ابد، برای اینکه لوح نزد مسلمانان عبارت است از جسم، و هر جسمی هر قدر هم بزرگ باشد، بالأخره محدود و دارای ابعادی متناهی است، و ادله علمی بر این معنا شاهد است. بنا بر این ممکن نیست این جسم محدود، حاوی و مشتمل بر تمامی جزئیات حوادث باشد.

در کتاب فقیه و در تفسیر عیاشی از امام صادق علیه السلام روایت آورده‌اند، که فرمود: صراط مستقیم، امیر المؤمنین علیه السلام است.^۳ و در کتاب معانی از امام صادق علیه السلام روایت آورده، که فرمود: صراط مستقیم، طریق به سوی معرفت خدا است، و این دو صراط است، یکی صراط در دنیا، و یکی در آخرت، اما صراط در دنیا عبارتست از امامی که اطاعتش بر خلق واجب شده، و اما صراط در آخرت، پلی است که بر روی جهنم زده شده، هر کس در دنیا از صراط دنیا بدرستی رد شود، یعنی امام خود را بشناسد، و او را اطاعت کند، در آخرت نیز از پل آخرت به آسانی می‌گذرد، و کسی که در دنیا امام خود را نشناسد، در آخرت هم قدمش بر پل آخرت می‌لغزد، و بدرون جهنم سقوط می‌کند.^۴

۱- همان: ۲۹ «هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق إنا کنا نستنسخ ما کنتم تعملون»

۲- طبرسی، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۱۸.

۳- ابن بابویه (صدوق)، معانی الاخبار ص ۳۲ ح ۲ و عیاشی ج ۱ ص ۲۴ ح ۲

۴- طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۵

۱-۳- امام مبین در خطبه غدیر

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هیچ علمی نیست، مگر اینکه خداوند، آن را در من جمع کرده است ... و هیچ علمی نیست مگر اینکه آن را به علی آموخته ام؛ و اوست «امام مبین»»^۱

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خزانه دار علم حق تعالی است، که آن را به امیر مومنان آموخته است. پس هر که تشنه علم است، می تواند وجود خود را از سرچشمه زلال علم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سیراب کند. یعنی امیر مومنان علیه السلام را پناهگاه علمی خود بداند و در حل مشکلات علمی به ایشان مراجعه نماید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث مدینه علم می فرماید: «من شهر دانشم و علی، دروازه آن است. آن که دانش می خواهد، باید از [این] دروازه در آید»^۲. در دین اسلام، «علم» مقام و منزلت خاصی دارد. و اهل بیت که معادن علم الهی هستند، مقام رفیع و جایگاهی بلند دارند. به حکم عقل، شخصی که علم کامل دارد، شایسته است که امام و جانشین پیامبر باشد؛ و دیگران باید به او مراجعه کنند. هر کس این حقیقت روشن را نپذیرد یا انکار کند، با عقل خود مخالفت کرده است. کیست که بخواهد راهی دراز به بلندای ابدیت را بدون بهره گیری از نور علم بپیماید با توجه به سخنان گهربار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امام غدیر به علم الهی متصل است

شیعیان معتقدند امام غدیر علم به همه چیز دارد و هیچ جهلی به او راه ندارد و هیچ سؤالی را بی پاسخ نمی گذارد. امامی که صاحب اختیار مطلق مردم است باید هم این گونه باشد و با اتصال به دریای بیکران علم الهی بتواند علم لازم برای رفع همه نیازهای بشر را در زمانی به بلندای عمر دنیا داشته باشد. در غدیر این اعتقاد با پشتوانه قرآنی اعلام شد.^۳ و صاحب این مقام علی بن ابی طالب علیه السلام معرفی شد.^۴ براساس غدیر امامت فقط در نسل پاک محمد صلی الله علیه و آله است «من در میان شما دو امانت نفیس و گرانبها می گذارم یکی کتاب خدا قرآن و دیگری عترتم را. تا وقتی که از این دو تمسک جویند، هرگز گمراه نخواهید شد و این دو یادگار من هیچ گاه از هم

۱ - قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۱، ص ۶۲؛ فیض کاشانی، تفسیر صافی ج ۴ ص ۲۴۷؛ عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین ج ۴ ص ۳۷۹ «فِي كِتَابِ الْإِحْتِجَاجِ لِلطَّبْرِسِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَدِيثٌ طَوِيلٌ يَقُولُ فِيهِ: مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عِلْمُنِيهِ رَبِّي وَ أَنَا عِلْمْتُهُ عَلِيًّا وَ قَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ، وَ كُلُّ عِلْمٍ عِلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عِلْمْتُهُ عَلِيًّا.»

۲- اخطب خوارزم، المناقب للخوارزمی: ص ۸۳ ح ۶۹؛ نجف، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام: ص ۱۲۳ ح ۸۲

۳- یس: ۱۲ «و كل شیء أحصیناه فی إمام مبین»

۴- همان؛ زخرف: ۴ «و إنه فی أم الكتاب لدینا لعلی حکیم»

جدا نمی‌شوند. تا کنار چشمه کوثر بر من وارد شوند.»^۱ حالا امام مبین از نظر مفسران چه قرآن چه امام علی علیه السلام و امامان معصوم بعد از او باشد. دو یار جدایی ناپذیر غدیرند و امام علی علیه السلام خود قرآن ناطق است. آن امامی که صاحب اختیار مطلق و دارنده دریای علم است باید در نسلی پاک قرار داشته باشد، تا این همه عظمت را با خود حمل نماید. چه کسی جز خداوند می‌تواند این نسل پاک را به ما نشان دهد؟ اوست که از بلندای منبر غدیر به وسیله پیامبرش آن را با استناد به قرآن به ما می‌شناساند، آنجا که می‌فرماید: «و خدا این خدا پرستی را در همه ذرّیت او تا قیامت کلمه باقی گردانید، باشد که (همه فرزندان او به خدای یکتا) رجوع کنند.»^۲

نتیجه گیری

تعبیر والای امام مبین در دو سوره قرآن «یس: ۱۲ و حجر ۷۹» آمده است. بیشتر مفسران شیعه و اهل سنت، «امام مبین» را به معنای لوح محفوظ دانسته‌اند. لوح محفوظ کتابی است که همه اعمال و همه موجودات و حوادث این جهان در آن ثبت شده است. اما آشکار است که امام مبین و لوح محفوظ دو لفظ کاملاً جدا از هم هستند و مفسرین به جهت بعضی از شباهت‌های آیات خواسته‌اند تفسیر ساده‌ای از موضوع ارائه کنند، و معنای عامی را به کار گیرند. براساس نظر طباطبایی ظاهر آیه هم به نوعی حکم می‌کند به اینکه کتاب‌ها یکی نیست، و کتاب اعمال غیر از امام مبین است، چون بین آن دو فرق گذاشته، یکی را خاص اشخاص دانسته و دیگری را برای عموم موجودات خوانده است، و نیز تعبیر را در یکی به کتابت و در دیگری به احصاء آورده، منظور از «امام مبین» لوح محفوظ است، لوحی که از دگرگون شدن و تغییر پیدا کردن محفوظ است، و مشتمل است بر تمامی جزئیاتی که خدای سبحان قضایش را در خلق رانده، در نتیجه آمار همه چیز در آن هست، و این کتاب در کلام خدای تعالی با اسم‌های مختلفی نامیده شده «لوح محفوظ»، «ام الکتاب»، «کتاب مبین»، و امام مبین، که در هر یک از این اسمای چهارگانه عنایتی مخصوص هست.

هرچند مفسران از امام مبین به لوح محفوظ، قرآن کریم و ولایت امیر المومنین علیه السلام یاد کردند و مفسران سنی و شیعه در این مبحث اختلافی دارند ولی با کمی دقت روشن می‌شود که این گونه روایات در باره ولایت امیر المومنین علیه السلام منافاتی با تفسیر «امام مبین» به «لوح محفوظ» ندارد، زیرا قلب پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در درجه اول و قلب وسیع جانشین او در درجه بعد آئینه‌هایی است که لوح محفوظ را منعکس می‌کند، و قسمت عظیمی از آنچه در

۱ - خطبه غدیر

۲ - زخرف: ۲۸ «و جعلها کلمة باقیة فی عقبه».

لوح محفوظ است از سوی خدا به آن الهام می‌گردد، به این ترتیب نمونه‌ای از «لوح محفوظ» می‌باشد، و بنا بر این اطلاق «امام مبین» بر آن مطلب عجیبی نیست، چرا که فرعی است که از آن اصل گرفته شده، و شاخه‌ای است که به آن ریشه باز می‌گردد. براساس خطبه غدیر، امامت فقط در نسل پاک محمد صلی الله علیه و آله است. پیامبر صلی الله علیه و آله دو امانت نفیس و گرانبها «یکی کتاب خدا قرآن و دیگری عترتم» را در غدیر به یادگار می‌گذارد تا وقتی که از این دو تمسک جویند، هرگز گمراه نخواهید شد و این دو یادگار هیچ‌گاه از هم جدا نمی‌شوند. تا کنار چشمه کوثر بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شوند. حالا امام مبین از نظر مفسران چه قرآن چه امام علی علیه السلام و امامان معصوم بعد از او باشد. دو یار جدایی ناپذیر غدیرند و امام علی علیه السلام خود قرآن ناطق است. آن امامی که صاحب اختیار مطلق و دارنده دریای علم است باید در نسلی پاک قرار داشته باشد، تا این همه عظمت را با خود حمل نماید. چه کسی جز خداوند می‌تواند این نسل پاک را به ما نشان دهد؟ اوست که از بلندای منبر غدیر به وسیله پیامبرش آن را با استناد به قرآن به ما می‌شناساند.

فهرست منابع

* قرآن، ترجمه مکارم شیرازی

* نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، **أمالی**، تهران: نشر کتابچی، ۱۳۷۶ ش

۲.، **معانی الأخبار**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین

حوزه علمی، قم، ۱۴۰۳ ق

۳. اردکانی؛ محمد علی بن محمد حسن، **تحفه الاولیاء (ترجمه اصول کافی)**، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۹.

۴. امام علی علیه السلام، **دیوان الإمام علی علیه الصلاة والسلام** (مبیدی، حسین بن معین‌الدین) (نویسنده)، قم: نصاب، ۱۳۷۴ ش.

۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، **تاج اللغة و صحاح العربیه**، چاپ اول، مؤسسه الصادق، تهران، ۱۳۸۲ ق

۶. حسینی شاه عبدالعظیمی، **تفسیر اثنی عشری**، ج ۱۴، تهران: انتشارات میقات، ۱۳۶۳ ش، چاپ اول.

۷. سیوطی، جلال‌الدین، **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**، ج ۵، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق

۸. طباطبائی، سید محمد حسین، ترجمه المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، رجا، ۱۳۶۳.
۹. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۰. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، ج ۲، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۲ ش.
۱۱. عروسی‌حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۱۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷.
۱۳. قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قمی مشهدی، قم: دار الغدير، ۱۴۲۳ ق.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، اول، اسوه، ۱۳۷۰ ش.
۱۵. محمدی ری‌شهری، محمد، دانش نامه عقاید اسلامی، ج ۷، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۵ ش.
۱۶. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دوم، قم، دارالکتب اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۱۸. نجف، محمد مهدی، صحیفه الامام الرضا، ج ۱۸، کنگره امام الرضا (علیه السلام)، مشهد، ۱۴۰۶ هـ. ق.

فهرست منابع عربی

۱. ابن اثیر، أبو الحسن علی بن محمد، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۳، دار الفكر، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر
۳. اخطب خوارزم، موفق بن احمد، المناقب للخوارزمی، نجف اشرف: ناشر المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۸ هـ. ق.
۴. دامغانی، حسین بن محمد، الوجوه و النظائر لالفاظ کتاب الله العزیز، مصر: نشر قاهره، ۱۴۱۶ ق.

٥. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ **المفردات فی غریب القرآن**، چاپ اول، ج ١ دمشق بیروت، انتشارات دارالعلم الدار الشامیه، ١٤١٢
٦. طبرسی، ابن علی الفضل ابن الحسن، **مجمع البیان فی التفسیر القرآن**، بیروت، دارالمعرفه، ١٤٠٢ق.
٧. فخررازی، محمد بن عمر، **مفاتیح الغیب**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٤٢٠ ق
٨. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، **تفسیر صافی**، تهران: مکتبه الصدر، ١٤١٥ق.= ١٣٧٣.
٩. قندوزی، سید سلیمان بن ابراهیم، **ینابیع المودۀ**، قم: نشر اسوه، ١٤٢٢ ق.
١٠. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت: دارالهدایه، ١٣٨٥ق.